

نکته ۲:

درباره اینکه آیا اهانت از افعال قصدی است نظرات مختلفی اقامه شده است.

مرحوم مراغی و مرحوم بجنوردی به این امر اشاره دارند.^۱

۱. ماحصل فرمایش ایشان آن است که نسبت افعال و عنوان اهانت سه گونه است:

(۱) برخی افعال تنها با قصد اهانت، اهانت هستند، یعنی فی حدّ نفسه اهانت نیست. (مثل نماز بالای

سر بقاع متبرکه یا پشت کردن به بزرگان)

(۲) برخی از افعال بدون قصد هم اهانت است مثل آب دهان انداختن جلوی کسی. (حتی اگر قصد

اهانت نباشد و یا حتی اگر قصد منافی باشد)

(۳) برخی از افعال بدون قصد، به شرطی که قصد دیگری در کار نباشد، اهانت است مثل اینکه کسی

کمرش را به ضریح بکشد به قصد استشفاء.

۲. همینطور که گاه فعل موجب اهانت است، گاهی هم ترک فعل این حکم را دارد، مثلا:

«إن ما شأنه التعظیم، ترک ذلک بالنسبة إلیه فیعد تخفیفا عرفا، إذ لیس الإهانة و التخفیف إلا تنزیل

ذلک الشیء عن مرتبته، و عدم ملاحظة شأنه تنزیل له عن مرتبته، فإن المؤمن العارف شأنه إذا

ورد مجلسا أن یقام له و یجعل له ما یناسبه من المكان، فإذا ترک ذلک له فهو إهانة بالنسبة إلیه و

تخفیف، فیکون محرما.»^۲

۳. ملاک در این که کدام فعل یا ترک از کدام قسم است، با توجه به عرف هر منطقه فرق می کند، این مطلب

مورد اشاره صاحب جواهر هم بوده است.

«و لعل ذلک مختلف باختلاف الناس و المقاصد و النیات.»^۳

۴. افعال یا ترک افعال همانطور که نسبت به عرف هر منطقه ممکن است اهانت باشند یا نباشند، در قیاس

با مخاطب هم می توان گفت که اهانت از امور نسبی است و لذا هر کاری می تواند اهانت باشد یا

۱. العناوین، ج ۱، ص ۵۵۶ / القواعد الفقهیه، ج ۵، ص ۲۹۶.

۲. مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، العناوین الفقهیه، ج ۱، ص ۵۵۷.

۳. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۶، ص ۹۸ / ن ک: عوائد الایام، ص ۳۱.



نباشد، و لذا سخن یا رفتار انسان با دوست یا فرزند یا همسرش با سخن و یا رفتار او در مقابل دیگران از این جهت مختلف است.

نکته ۳:

لازم است توجه کنیم که «دوری از سخره حرام» نباید چنین القا کند که مومنین باید عبوس و ترش رو باشند، به همین جهت لازم است به برخی روایات که می گوید مزاح مستحب است و هم چنین به برخی روایات که آثار کثرت مزاح را بر می شمارد توجه کنیم، و مزاح همراه با بد دهنی را رد می نماید.

۱. «مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يَكُونُ مَعَ الْقَوْمِ فَيَجْرِي بَيْنَهُمْ كَلَامٌ يَمْزَحُونَ وَيَضْحَكُونَ فَقَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَكُنْ فَظَنَنْتُ أَنَّهُ عَنَى الْفُحْشَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَأْتِيهِ الْأَعْرَابِيُّ فَيَهْدِي إِلَيْهِ الْهَدْيَةَ ثُمَّ يَقُولُ مَكَانَهُ أُعْطِنَا ثُمَّ هَدَيْتِنَا فَيَضْحَكُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَكَانَ إِذَا أَعْتَمَّ يَقُولُ مَا فَعَلَ الْأَعْرَابِيُّ لَيْتَهُ أَتَانَا.»^۱

۲. «وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: كَانَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا يَبْكِي وَلَا يَضْحَكُ وَكَانَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ ع يَضْحَكُ وَيَبْكِي وَكَانَ الَّذِي يَصْنَعُ عَيْسَى ع أَفْضَلَ مِنَ الَّذِي كَانَ يَصْنَعُ يَحْيَى ع.»^۲

۳. «وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمَزَاحُ.»^۳

۴. «وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يُونُسَ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ مَدَاعِبَةٌ بَعْضُكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ

۱. وسائل الشيعة ج ۱۲، ص ۱۱۲.

۲. همان.

۳. همان.



مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَىٰ أَحَبِّكَ - وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُدَاعِبُ الرَّجُلَ
يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ.^١

٥. «وَبِالسِّنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع «٥» يَقُولُ إِنَّ
اللَّهَ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بَلَاءَ رَفَثٍ.»^٢

رفت: دشنام



درس خارج فقه ائمه اربعه عظمی

١. همان، ص ١١٣.

٢. همان.

